

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد

۰۹ جون ۲۰۲۲

## نقش رسانه‌ها در جهان سرمایه داری

مسئولیت ارگان‌های تبلیغی [از جمله رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها] در جهت‌دادن افکار عمومی بسیار زیاد - و در حقیقت غیر قابل انکار - است. پس درآمد آن در دنیای امروزی و آن هم در حوزه‌های متفاوت آشکار است. قدرت‌مداران [جدا از ارگان‌های سرکوب] بهیاری رسانه‌های جمعی، جهان را تسخیر کرده‌اند و برآستی که حقیقت، در دالان‌ها و اتاق‌های فکر جانپان بشریت قربانی شده است. نگاه به این وضعیت آزردهنده است و خیل عظیمی از خبرنگاران، روزنامه‌نگاران و خلاصه دم‌دستگاه‌های تبلیغاتی، در جاده سیاست‌های امپریالیستی در گشت و گذار هستند.

دست‌اندرکاران رسانه‌ها همواره بر این نظرند که ملزم به انتشار رویدادها و حوادث سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و طبیعی‌اند؛ ولی، نه تنها به‌عنوان مبشران حقیقت، بلکه من‌حیث‌المجموع، از جمله سُخن‌گویان و جاده صاف کنان سیاست‌های اقتصادی و جنگی طبقات حاکمه‌اند. به‌یقین حکومت‌مداری طبقات حاکمه، بدون رسانه‌ها ناممکن است. پس فهم دُرست این قضیه، هر عنصر خیراندیش و یا وابسته به طبقات فرودست را وامی‌دارد تا به نقش رسانه‌ها به‌عنوان پمپاژ طبقات بالادست [و آن هم فراتر از کسب خیر]، توجه بایسته کند.

بر همین اساس باریک‌بینی صحیح بدان، یعنی درک از جایگاه واقعی رسانه‌ها در پیش‌برد سیاست‌های امپریالیستی، مانع پندارهای نادرست و نیز موضع‌گیری‌های سیاسی مطابق با منافع کارگران و زحمت‌کشان خواهد شد. اگرچه ما بعضاً با نظرات بیپه‌وده و متأثر از نظر ژورنالیست‌های امپریالیستی در میان عناصر و تجمعات خارج از کشوری، در قسمت‌های متفاوت و از جمله پیرامون جنگ در اوکراین رودرو هستیم که به‌طور یقین جز نفوذ و لنگر انداختن رسانه‌های امپریالیستی در ذهن آنان نیست. در هر صورت هم چرخش‌های سیاسی، اعتماد و تکیه به خبرهای مخابره شده از سوی نمایندگان سرمایه در پخش اطلاعات زیاد است، و به‌موازات آن، هم شناخت و ارائه نظر دُرست از نقش رسانه‌های امپریالیستی کم نیست. علی‌رغم این‌گونه مرزبندی‌های سیاسی مجزا از هم، یک‌قضیه روشن است که دست‌اندرکاران رسانه‌ها، به‌مانند دیگر ارگان‌ها و نهادها، سرشان به بالا وصل است و در قلمرو بخش‌های متفاوت جناح‌های امپریالیستی فعال‌اند. صریح‌تر این‌که هیچ‌یک، جانب حقیقت و وظیفه‌شان شرح‌وحال حقیقی اتفاقات سیاسی، نابسامانی‌های اجتماعی، اقتصادی و جنگی نیست. سانسور، حذف خبرهای واقعی، و سر به نیست کردن خبرنگاران خارج از خواست‌ها و مدار سیاسی‌شان، بی‌سار رایج و متداول است. برای اثبات این‌قضیه نیازی به مرور کارکردهای دهه‌های دیرین رسانه‌ها، یعنی از تغییر حکومت‌مداران گرفته تا سازمان‌دادن جنگ‌های مطابق با نیازهای سرمایه‌مداران

نیست. آن قدر مواد پیرامون شناخت رسانه‌ها در چند دهه اخیر زیاد، و آن قدر عمل‌کرد آن‌ها واضح و آشکار است که احتیاج به ذهن خلاق برای شناخت ماهیت ارگان‌های تبلیغی نظام‌های سرمایه‌داری نیست. بارها و بارها دیده و خوانده شده است که زیر سؤال بردن و هرگونه مخالفت با رسانه‌های گروهی وابسته به سرمایه، برابر با تحقیر، توهین، اخراج، دستگیری، شکنجه و تلف شدن است.

برای این‌که انگیزه طبقات حاکم از نقش رسانه‌ها، اطلاع‌رسانی و روشن‌گری جامعه و مردم نیست، بلکه وسیله و ابزاری در خدمت به انحراف افکار عمومی و نیز پس زدن جناح‌های رقیب امپریالیستی است؛ آن هنگام مردم مجاز به دیدن و شنیدن خبرها و رویدادهایی هستند که از سوی آنان تدوین و مخابره می‌شود و بی‌علت هم نیست که بیگانگی بسیار زیادی بین مردم [منظور جامعه پائینی‌ها]، با رسانه‌های حکومتی - دولتی است. کارکرد همه واحد است و تفاوت ماهوی بین آنان نیست؛ زیرا که تزویر و خبرهای ساختگی و همچنین تصویرپردازی‌های کذائی، از جمله جواز عبور آنان در قلمرو سرمایه‌داران است. پس حرف به‌میان آوردن از خبرنگار آزاد و یا بی‌طرف [در چنین سیستم و مناسباتی]، گزافه‌گویی و متعاقباً تطهیر ژورنالیست‌های امپریالیستی است.

مخالفتی (از سوی خودی‌ها) نیست که جوامع به دو سوی متضاد از هم تقسیم شده است و هر سو، عناصر و نهادهای وابسته به‌خود را در برابر طبقه مخالف به صف کرده است؛ مخالفتی نیست که بنیان طبقات حاکم با آمارسازی‌ها و با ویرانی خبرهای حقیقی گره خورده است؛ مخالفتی نیست که سرمایه‌داران با هرگونه حقیقت‌گویی سر جنگ دارند؛ و نیز مخالفتی نیست که دهن خبرهای حقیقی به محدوده جنگ‌های امپریالیستی خلاصه نمی‌شود. همه قسمت‌ها و از جمله اقتصاد، مصائب اجتماعی، اشتغال و اشتغال‌زدائی، ارائه آمار و ارقام پیرامون روی‌آوری جوانان به مواد مخدر و غیره را در برگرفته است و در حقیقت در هیچ قسمتی جامعه و مردم، از حقیقت مطلع نیستند.

همان‌گونه آمده نمونه‌ها فراوانند و نیز دیده و خوانده است که چگونه قدرت‌مداران بین‌المللی با ریاکاری تمام [و آن هم توسط بلندگوهای تبلیغاتی مخرّبشان] جنگ‌های متفاوتی را در مناطق محروم جهان به راه انداخته‌اند تا سیاست‌های سودجویانه‌شان را دنبال کنند. مبارزه با "سلاح‌های کمپایی" در عراق و لیبیا، "مبارزه" با گروه‌های دست‌ساز و وابسته‌ای همچون طالبان و داعش، تطهیر حکومت‌های دست‌نشانده و جابه‌جائی عناصر وابسته دیگر و همچنین تعرض بی‌امان به تنمه‌های میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش و سازمان‌دادن انقلابات رنگی در گوشه‌های متفاوت جهان، بیان‌گر این واقعیات است که تحقق و پیش‌رفت سیاست‌های امپریالیستی بدون زمینه‌سازی افکار عمومی [و از طرق رسانه‌ها] محال است.

قدرت‌مداران توسط دستگاه‌های تبلیغاتی‌شان جامعه‌ای را با خاک یکسان و میلیون‌ها انسان را به دلیل سیاست‌های غیر انسانی‌شان آواره کرده‌اند تا دنیای مطابق با طبقه سرمایه‌داری را به جهان انسانی تکلیف کنند. دهه‌هاست (جدا از دست‌درازی به منابع طبیعی)، سیاست تشنج بیش از پیش و جنگی را در مقابل خود قرار داده‌اند که تازه‌ترین آن، برپائی جنگ در اوکراین است؛ جنگی که - به‌مانند دیگر جنگ‌های امپریالیستی - سود آن به حلقوم و به جیب سرمایه‌داران و کمپانی‌های اسلحه‌سازی می‌رود و به‌طور قطع نصیب مردم، همانا دربه دری، تخریب خانه‌های‌شان، بی‌آیندگی میلیون‌ها کودک، گشته شدن هزاران انسان بی‌دفاع است. پس جنگ اوکراین هم خارج از مدار سیاست‌های جنگی امپریالیست‌ها [در این کشور] نیست و تابه‌حال معلوم شده است که نه تنها مردم دردمند اوکراین، تاوان سیاست‌های جنگی امپریالیست‌ها را - در چهارچوب رقابت‌ها - پس داده و می‌دهند، بلکه اثرات فی‌البداهه و مستقیم آن را به‌آسانی می‌شود در زندگی میلیون‌ها انسان جهان به‌عینه دید که یک‌نمونه آن، افزایش چندین درصدی سوخت [گاز، برق و بنزین] است.

به‌هرحال، زندگی میلیون‌ها انسان را عده‌ای اندک و آن‌هم به یمن زور و سلاح‌های گشنده نابود کرده‌اند که مطمئناً اجرای همه این‌ها بدون جاروجنجال‌های سیاسی و تبلیغاتی ناممکن بوده و می‌باشد. حکومت‌مداران و دولت‌مردان از طریق رسانه‌ها مردم را در فقر اطلاعات قرار می‌دهند تا خواست‌ها، سیاست‌ها و جنگ‌های متناسب با منفعت جناحی خود را پی گیرند؛ دنیا را به‌میدان رقابتی تبدیل و ناامن کرده‌اند تا به‌قول خویش "نظم نوین جهانی" را دنبال کنند. هیچ گوشه‌ای از جهان در آسایش و در امنیت نیست و همه‌جا مردم تاوان رقابت‌های امپریالیستی را پس می‌دهند و همه‌جا رسانه‌های مخرب به‌یکدیگر از عوامل اساسی و مهم پیش‌رفت سیاست‌های امپریالیستی مبدل شده‌اند. خلاصه این نظر، غلط نیست که دم‌دستگاه‌های تبلیغاتی [راديو و تلویزیون، خبرنگاران و روزنامه‌نگاران] از جمله هموارکنندگان سیاست‌های امپریالیستی از یک‌طرف، و دفن‌خبرهای واقعی از اذهان عمومی از طرف‌دیگر هستند.

بنابراین یک‌راه در برابر میلیون‌ها انسان دردمند از کسب خبرهای واقعی پیرامون رخدادها و حوادث سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار دارد و آن‌هم، به زیر کشیدن سلطه سرمایه‌داران جهانی و متعاقباً جایگزینی مناسبات متناسب با حقوق میلیاردی کارگر و توده دردمند است. طبقات حاکمه با تمامی مختصات و ارگان‌های‌شان، فاسد و دغل‌کارند. وجود لحظه‌ای‌شان برابر با برپائی جنگی تازه‌تر، برابر با فقر و آوارگی بیش‌تر کودکان، و نیز برابر با تخریب وسیع‌تر زیرساخت‌های جامعه است. برچیدن رسانه‌های مخرب، [به‌مانند دیگر نهادها و ارگان‌های بقای امپریالیستی] در گرو تخریب چهارپایه‌های قدرت‌مداران است. امری که جهان انسانی بنابه صدها دلیل روشن، روز و روزگاری با آن رودررو خواهد شد و آن‌وقت است که جامعه، بیش از این شاهد دروغ‌گوئی‌های رسانه‌های دغل‌کار، و یا با خبرنگاران و تصویرپردازان متناسب با خواست‌های یک‌درصدی‌ها نخواهد بود.

۴ جون ۱۴/۲۰۲۲ خرداد- جوزا- ۱۴۰۱